

## آسیب‌شناسی چاپ متون (۴)

۱. واژه سازی: یکی دیگر از آسیب‌های نگارش و تألیف و تدوین و تصحیح اثر، کلمه-سازی و مقاله‌سازی و کتاب‌سازی است. در هر کشوری فرهنگستان زبان آن کشور، معادل و برابر سازی واژگان بیگانه را برعهده دارد، کاری که در ایران نیز بیش از ۵۰ سال است فرهنگستان آن را عهده‌دار است. نکته اینجاست که زیادی دلسوختگان زبان فارسی در این کار افراط کرده و خود رأساً به ساخت و ساز بی‌رویه کلمات فارسی روی آورده و هر معادلی که مورد پسند و خورند ذائقه خویش می‌دانند، در نوشته‌ها و مقالات و کتابهای خود می‌آورند و بعد می‌گویند آن مشکل خواننده اثر است که مفهوم این واژه را در نمی‌یابد تا جایی که اگر در کتاب لغت هم جستجو کند، ردّ پایی از آن پیدا نمی‌کند، پس خوب است ره اعتدال را با زبان «معیار» بیماییم و شکل و لفظ را که برای مقاصد ما به قول اصولیون طریقت دارد نه موضوعیت، بر معنا مقدم ندانیم و معنا را قربانی واژه فارسی شده نسازیم.

۲. مقاله سازی: عافیت طلبی و تن آسایی و پخته خواری و فرصت طلبی، صفت کسانی است که با مقاله سازی از نیم خورده دیگران ارتزاق می‌کنند و از دسترنج دیگران مشهور می‌شوند و برای تألیف و نگارش یک مقاله علمی، به جای آنکه دنبال حل مسأله و کشف موضوعی باشند، در پی کشف مقاله‌ای پیش ساخته هستند تا اندکی در آن دست برده و عنوانی دیگر برایش جعل کنند و نام خود را در پی آن اندازند، غافل از آنکه بالاخره دستشان رو می‌شود و اهل بخیه مُچشان را سر بزنگاه می‌گیرند. البته کسانی هم هستند که چنان روز روشن مرتکب این امور می‌شوند که نیازی به چراغ ندارند تا گزیده‌تر برند کالا، ولی چرا عاقل کند کاری که بر او نماند جز شرمساری و این خطری است که نویسندگان و مؤلفان و مصححان خدوم و صدیق را نگران می‌سازد، این در حالی است که قصه حقوق هنرمندان و مؤلفان همچنان جدی گرفته نمی‌شود. و اما ما به عنوان یک مؤسسه پژوهشی که از آن انتظارات دو چندان می‌رود، همواره این نکته را مد نظر داشته و داریم که مراقب باشیم کسی که اثر تصحیح شده‌ای را ارائه می‌دهد، اگر پیشتر چاپی از آن وجود دارد، مقایسه کنیم و ببینیم با چه نسخه‌های دیگری که امتیاز کار او را نشان می‌دهد، مقابله کرده است. خوشبختانه در این ۱۵۰ اثری که میراث منتشر کرده، هنوز موردی پیش نیامده که مورد انتقاد قرار گیریم. ولی یکبار یکی از استادان نامور از میراث شکوه کرد که چرا مصححی که



در مقدمه اثر خود از مقاله آن استاد بزرگوار استفاده کرده، نامی از آن نبرده و مطلب را به اسم خودش چاپ کرده؟ و ما دیگر فکر اینجا را نمی‌کردیم که این جور انتظارات هم از ما هست، البته چون این رادمرد عرصه تصحیح و چاپ متون به ما لطف دارند، نتیجه اخلاقی فرمایششان این است که مراقب باشیم به عنوان یک مؤسسه پژوهشی، کوچکترین عیبی در کارمان رخنه نکند و وجهه علمی مرکز خدشه‌دار نشود.

یادی کنیم از بزرگان فن تصحیح، کسانی چون مرحوم علامه قزوینی و مجتبی مینوی و فروزانفر که حتی اگر مطلبی را از کسی می‌شنیدند، در حاشیه نوشته خود به آن اشاره می‌کردند و حق معنوی او را مراعات می‌نمودند.

۳. کتابسازی: قصه کتابسازی که روایتی بس دراز دارد و دل اهل قلم رنج دیده در این باب خون است و البته به آسانی هم نباید انگشت اتهام و بهتان را به کسانی از گذشتگان نشانه رفت که کارنامه علمی و اخلاقی آنان درخشان است، چه ما در عصری زندگی می‌کنیم که هر

کس جویای حق خویش است و عده‌ای پخته‌خوار در پی کسب خویش و گذاشتن آنان به حال خویش خیانتی است نابخشودنی. اگر رسم پیشینیان نام نبردن از منابع پیش از خود بوده، و آن دوران عیبی هم بر آنان شمرده نمی‌شده، ولی اکنون نام بردن حسن اثر است و نام نبردن خُبث و سرقت ادبی بشمار می‌رود و پیگرد قانونی دارد. کم نیستند کسانی که عین تألیف یا ترجمه یا تصحیح دیگری را باز چاپ می‌کنند و نام خود را روی جلد می‌آورند و هیچ یادی هم از مؤلف یا مترجم یا مصحح قبلی آن که با خون دل اثری را تألیف یا ترجمه و یا نسخه‌ها را گردآوری کرده و متحمل مشقات و رنجهای خار مگیلان شده، نمی‌کند و خوشبختانه گاه برخی منتقدان منصف در مطبوعات پرده از حیلت آنان برداشته و پته‌اشان را روی آب می‌ریزند تا برای دیگران درس عبرتی باشد. کاری که ما در این گزارش میراث پی خواهیم گرفت و به یاری دردمندان و داغدیدگان این وادی خواهیم شتافت.



گزارش میراث

